

# پانیوم - شماره یازده یازده

یازده، یازده: شهادت پیشگویانه دانیال و مکاشفه

Jeff Pippenger

2025-08-09

برای من رسیدن به این نقطه در مطالعه پانیوم فرایندی طولانی بوده است، و عنوان «یازده، یازده» بدین منظور است که تأکید کند شیر قبیله یهودا هر دو کتاب دانیال و مکاشفه را هماهنگ کرده تا خطوط داخلی و خارجی تاریخ مهر کردن قوم خدا را در فصل یازدهم و آیه یازدهم ترسیم کند. اندکی پیش از پسته شدن مهلت، فرمانی برای گشودن مهر نبوت در مکاشفه صادر می‌شود؛ نبوتی که تا زمانی مهر شده بود که تاریخ‌های نبوی داخلی و خارجی، که با دو خط «یازده-یازده» در کتاب‌های دانیال و مکاشفه نمایانده شده‌اند، به حقیقت حاضر بدل شوند.

و به من گفت: سخنان نبوت این کتاب را مهر مکن، زیرا زمان نزدیک است. آن که ستمکار است، بگذار همچنان ستمکار بماند؛ و آن که پلید است، بگذار همچنان پلید بماند؛ و آن که عادل است، بگذار همچنان عادل بماند؛ و آن که مقدس است، بگذار همچنان مقدس بماند. مکاشفه یوحنا ۱:۱۰، ۱۱.

"زمان نزدیک است" درست پیش از پایان دوران مهلت، و "زمان نزدیک است" هنگامی که "مکاشفه عیسی مسیح" مهرگشایی می‌شود.

مکاشفه عیسی مسیح، که خدا به او داد تا به بندگانش آنچه را که به زودی باید واقع شود نشان دهد؛ و آن را به وسیله فرشته خود به بندهاش یوحنا فرستاد و آشکار ساخت؛ همان که از کلام خدا و از شهادت عیسی مسیح و از هر آنچه دید شهادت داد. خوشا به حال کسی که می‌خواند، و آنان که سخنان این نبوت را می‌شنوند و آنچه در آن نوشته شده را نگاه می‌دارند؛ زیرا زمان نزدیک است. مکاشفه ۱:۱۰-۱۱.

وقتی شیر قبیله یهودا «مکاشفه عیسی مسیح» را مهرگشایی می‌کند، چنان که از زمان رسیدن پیام فریاد نیمه شب در ژوئیه ۲۰۲۳ چنین کرده است، آن مهرگشایی شامل این مکاشفه است که او «پلمونی»، شمارنده شگفت‌انگیز، یا شمارنده اسرار است. نپذیرفتن این حقیقت به معنای مردود شدن در فرایند آزمونی است که صد و چهل و چهار هزار را مهر می‌کند.

من در حقیقت شما را با آب برای توبه تعمیم می‌دهم؛ اما آن که پس از من می‌آید، از من تواناتر است و من شایسته نیستم کفش‌های او را حمل کنم. او شما را با روح‌القدس و با آتش تعمیم خواهد داد. بیل بادزنی در دست اوست و خرمنگاه خود را کاملاً پاک خواهد کرد و گندمش را در انبار جمع خواهد کرد؛ اما گاه را با آتشی خاموشی‌ناپذیر خواهد سوزاند. متی ۱۱:۳، ۱۲.

«نمی‌توانم بگویم این فرایند پالایش دقیقاً چه زمانی آغاز خواهد شد، اما چندان به تعویق نخواهد افتاد. آن که بادزن در دست دارد، هیكل خود را از ناپاکی اخلاقی پاک خواهد کرد. او خرمنگاه خود را کاملاً پاک خواهد کرد.» شهادت برای خادمان، 372، 373.

خطوط نبوت که زمان مهر شدن را به عنوان فرایند آزمون نبوی مشخص می‌کنند، بسیار فراوان‌اند. به روشنی پیداست که این فرایند آزمون بر پایه استعداد و توانایی شاگردان در به‌کارگیری روش درست یا نادرست برای مطالعه کلام نبوی خدا استوار است. این حقیقت نیز در نوشته الهام‌شده به‌وفور بیان شده است.

اما در باره این چهار جوان، خدا به آنان معرفت و مهارت در هرگونه دانش و حکمت عطا کرد؛ و دانیال فهم همه رؤیاها و خوابها را داشت. و در پایان روزهایی که پادشاه گفته بود باید ایشان را به حضور بیاورند، آنگاه رئیس خواجه‌سرایان ایشان را به حضور نبوکدنصر آورد. و پادشاه با ایشان سخن گفت؛ و در میان همه آنان، هیچ‌کس چون دانیال و حنایا و میثائیل و عزریا یافت نشد؛ از این رو ایشان در حضور پادشاه ایستادند. و در هر امر حکمت و فهم که پادشاه از ایشان می‌پرسید، ایشان را ده برابر بهتر از همه جادوگران و منجمان که در تمام قلمرو او بودند یافت. دانیال ۱۷:۱-۳۰.

یکی از قواعد اصلی تفسیر پیشگویی‌ها این است که حقیقت بر شهادت دو شاهد استوار می‌شود، و کسانی که به این اصل اعتماد ندارند، زمینه شکست خود را فراهم می‌کنند. یکی از عناصر فرایند آزمون در زمان مهر شدن، شناسایی پیوند تاریخ‌های درونی و بیرونی است که در باب یازدهم و آیه یازدهم، به روایت دانیال و یوحنا، به تصویر کشیده شده است.

کتاب مکاشفه کتابی مَهر و موم‌شده است، اما در عین حال کتابی گشوده نیز هست. در آن رویدادهای شگفت‌آوری ثبت شده که قرار است در واپسین روزهای تاریخ این زمین رخ دهد. تعالیم این کتاب روشن و قطعی‌اند، نه رازآلود و نامفهوم. در آن همان خط سیر نبوت پی گرفته می‌شود که در دانیال هست. خدا برخی از نبوت‌ها را تکرار کرده است و بدین‌سان نشان می‌دهد که باید به آنها اهمیت داده شود. خداوند چیزهایی را که اهمیت چندانی ندارند تکرار نمی‌کند. انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۹، ۸.

کتاب‌های دانیال و مکاشفه نمایانگر دو شاهدند، و یکصد و چهل و چهار هزار نفر در باب یازدهم مکاشفه به‌عنوان دو شاهد معرفی شده‌اند. در آیه یازدهم آن باب، دو شاهدی که به ایلیا و موسی نمایانده شده‌اند، رستاخیز می‌یابند؛ چنان‌که این امر به‌وسیله یوحنا در روغن جوشان و دانیال در لانه شیران نمونه‌وار نشان داده شده است. یکصد و چهل و چهار هزار نفر به‌وسیله دانیال و یوحنا، و نیز به‌وسیله ایلیا و موسی نمایانده شده‌اند. برای کامیابی در فرایند آزمون که یکصد و چهل و چهار هزار نفر را پدید می‌آورد، شاگرد باید دریابد که حقیقت بر دو شاهد استوار است، و اینکه کتاب‌های دانیال و مکاشفه نمایانگر دو شاهدند، و اینکه یکصد و چهل و چهار هزار نفر به‌طور نمادین هم به‌وسیله ایلیا و موسی و هم به‌وسیله دانیال و یوحنا نمایانده شده‌اند.

این حقایق تنها نمونه‌ای کوتاه از حقایق نبوی مرتبط با تاریخ درونی و بیرونی‌اند که هم در دانیال و هم در مکاشفه با «یازده، یازده» بازنموده شده‌اند. مسیح، در مقام پلمونی، هماهنگ‌سازی آن دو بخش را راهبری کرد و نیز نشان داد که یازده به‌علاوه یازده برابر بیست‌ودو است؛ که خود ده یک یا یک‌دهم دو بیست‌وبیست است و نمادی از ترکیب الوهیت با انسانیت. پلمونی بر اساس شهادت بیش از دو شاهد ثابت کرد که «دو بیست‌وبیست» نمایانگر ترکیب الوهیت و انسانیت است؛ که خود توصیفی است از تجسد مسیح، زمانی که جسم سقوط‌کرده را بر خود پذیرفت. بدین‌سان او برای بشریت الگویی نهاد که اگر آنان مایل باشند مقتضیات انجیل را به‌جا آورند، مسیح نیز مایل است الوهیت خود را با انسانیت ما درآمیزد. بنابراین الوهیت و انسانیت دو شاهدند.

«مکاشفه عیسی مسیح» که درست پیش از بسته شدن مهلت آشکار شد، شامل این نکته است که عیسی «کلمه خدا» است.

در ابتدا کلمه بود، و کلمه نزد خدا بود، و کلمه خدا بود. او در ابتدا نزد خدا بود. همه چیز به‌وسیله او آفریده شد، و بدون او هیچ‌چیز از آنچه آفریده شده است آفریده نشد. در او حیات بود؛ و آن حیات نور انسان‌ها بود. و نور در تاریکی می‌درخشد؛ و تاریکی آن را درنیافت. یوحنا ۱:۱-۵.

کتاب مقدس «کلام» خداست؛ همان گونه که مسیح نمایانگر ترکیب الوهیت و انسانیت است. کتاب مقدس نمایانگر دو شاهد عهد عتیق و عهد جدید است؛ کسانی که در مکاشفه باب یازدهم، همان موسی و الیاس اند.

درباره دو شاهد، پیامبر علاوه بر این می گوید: «این ها دو درخت زیتون و دو چراغدان اند که در پیشگاه خدای زمین ایستاده اند.» «کلام تو»، مزمور نویس گفت، «چراغی است برای پاهایم و نوری برای راهم.» مکاشفه ۱۱:۴؛ مزمور ۱۰۵:۱۹. این دو شاهد نماینده نوشته های مقدس عهد عتیق و عهد جدیدند. مناقشه عظیم، ۲۶۷.

دو شاهد همان دو درخت زیتون، دو چراغدان و عهد عتیق و عهد جدید هستند که در آن بند با عبارت «کلام تو» معرفی شده اند. «مکاشفه عیسی مسیح» که درست پیش از پایان دوره آزمایشی به دست شیر قبیله یهودا مهرگشایی می شود، همان «افزایش نهایی معرفت» است که کسانی را که نامزد بودن در شمار صد و چهل و چهار هزار نفرند می آزماید. این «افزایش نهایی معرفت» همچنین پیام فریاد نیمه شب در مثل ده باکره است.

«آنگاه من پاسخ دادم و به او گفتم: این دو درخت زیتون که در سمت راست چراغدان و در سمت چپ آن هستند، چه هستند؟ و باز پاسخ دادم و به او گفتم: این دو شاخه زیتون که از طریق دو لوله زرین، روغن زرین را از خود خالی می کنند، چه هستند؟ و او به من پاسخ داد و گفت: آیا نمی دانی این ها چه هستند؟ و گفتم: نه، سرورم. آنگاه گفت: این ها دو مسح شده اند که در حضور خداوند تمامی زمین می ایستند. زکریا ۴:۱۱-۱۴. اینان خود را در کاسه های زرین خالی می کنند، که نمایانگر دل های پیام آوران زنده خدا هستند، آنان که کلام خداوند را در هشدارها و التماس ها به مردم می رسانند. خود کلام باید همان گونه که نمایانده شده است باشد: روغن زرین، که از دو درخت زیتونی که در حضور خداوند تمامی زمین ایستاده اند خالی می شود. این همان تعمیم به وسیله روح القدس با آتش است. این، جان بی ایمانان را به روی قانع شدن می گشاید. نیازهای جان تنها به واسطه کار روح القدس خدا برآورده می شود. انسان به خودی خود هیچ نمی تواند کرد تا اشتیاق ها و آرمان های دل را برآورده سازد.» تفسیر کتاب مقدس ادونتیست های روز هفتم، جلد ۴، صفحه ۱۱۸۰.

کلام خدا هم کتاب مقدس است و هم مسیح؛ و کتاب مقدس و مسیح نمایانگر دو شاهد هستند، همان گونه که آن صد و چهل و چهار هزار نفر نیز چنین اند. این دو شاهد به نوبه خود نمایانگر ترکیبی از الوهیت و انسانیت اند. آنها همچنین نماینده تاریخ های نبوی درونی و بیرونی هستند. به عنوان شاهد، گواهی می دهند که اتحاد الوهیت و انسانیت مرتکب گناه نمی شود. آنها همچنین نمایانگر پیوند میان الوهیت و انسانیت هستند. چه نردبان، چه مجرا، چه لوله ها، چه فرشتگان یا هر یک از دیگر نمادهای پیوند ارتباطی میان خدا و انسان، پیامی که به انسان منتقل می شود همواره زندگی یا مرگ است.

مسح شدگانی که در کنار خداوند تمامی زمین ایستاده اند، مقامی را دارند که زمانی به شیطان، کروب پوشاننده، داده شده بود. خداوند از طریق موجودات مقدسی که گرداگرد تخت او هستند، رابطه ای پیوسته با ساکنان زمین حفظ می کند. روغن زرین نماد فیضی است که خدا با آن چراغ های ایمانداران را تأمین می کند تا سوسو نزنند و خاموش نشوند. اگر چنین نبود که این روغن مقدس در پیام های روح خدا از آسمان فرو ریخته می شود، عوامل شر بر انسان ها به طور کامل تسلط می یافتند.

خدا بی حرمت می شود هنگامی که پیام هایی را که برای ما می فرستد نپذیریم. بدین سان روغن زرین را که می خواهد در جان های ما بریزد تا به کسانی که در تاریکی اند رسانده شود، رد می کنیم. هنگامی که ندایی برسد: «اینک داماد می آید؛ بیرون روید به استقبال او»، آنانی که روغن مقدس را نپذیرفته اند، که فیض مسیح را در دل های خود گرامی نداشته اند، همچون باکره های نادان

خواهند دید که برای ملاقات خداوند خویش آماده نیستند. آنان در خود توان به دست آوردن آن روغن را ندارند و زندگی‌شان تباه می‌شود. اما اگر روح‌القدس خدا را بخواهیم، اگر چون موسی تضرع کنیم: «جلال خود را به من بنما»، محبت خدا در دل‌های ما ریخته خواهد شد. به وسیله لوله‌های زرین، روغن زرین به ما انتقال خواهد یافت. «نه به قدرت و نه به قوت، بلکه به روح من»، می‌فرماید خداوند لشکرها. با دریافت پرتوهای درخشان خورشید عدالت، فرزندان خدا همچون چراغ‌ها در جهان می‌درخشند. ۲۰، Review and Herald، ژوئیه ۱۸۹۷.

فرو ریختن روح‌القدس در خلال تاریخ‌های درونی و بیرونی‌ای رخ می‌دهد که توسط کتاب دانیال و مکاشفه ۱۱:۱۱ مشخص شده‌اند. «حداقل» چهار شخصیت نبوی در آیات ۱۱ و ۱۲ از باب ۱۱ دانیال نمایانده شده‌اند که باید شناسایی شوند. همچنین چهار شخصیت دیگر در آیات ۱۳ تا ۱۵ و چهار شخصیت در آیه ۱۶ وجود دارند که باید شناسایی شوند. ما اکنون در همان تاریخ زندگی می‌کنیم؛ از این رو بر ماست که، به‌عنوان دانش‌پژوهان نبوت، معلوم کنیم شخصیت‌های نمادین آیات ۱۱ تا ۱۶ چه کسانی هستند، زیرا آنان خطی از نبوت را نمایندگی می‌کنند که تاریخ پنهان آیه ۴۰ همان باب را در بر می‌گیرد. همچنین به نظر می‌رسد شناسایی شخصیت‌های بازنمایی‌شده در تاریخ آیه چهارم، که از سال ۱۹۸۹ در حال گشوده شدن است، مرتبط باشد.

و گفت: برو به راه خود، ای دانیال؛ زیرا این سخنان تا زمان آخر بسته و مهر شده‌اند. بسیاری پاک خواهند شد، سفید خواهند گردید و آزموده خواهند شد؛ اما شیران بدکاری خواهند کرد، و هیچ‌یک از شیران نخواهند فهمید؛ اما دانیان خواهند فهمید. دانیال ۱۲: ۹، ۱۰.

آیه چهارم در زمان پایان در سال ۱۷۹۸ آغاز می‌شود، زمانی که ناپلئون فرانسه پاپ را به اسارت گرفت. توجیه ناپلئون بر پایه پیمان شکسته تولنتینو در سال ۱۷۹۷ بود. نبرد ناپلئون و پاپ پیش‌تر نمونه‌اش در تاریخی دیده شده بود که آیات شش و هفت باب یازدهم دانیال را محقق ساخت. پیمان ازدواج گسسته و شکست پادشاه شمال به‌دست پادشاه جنوب، مطابق آیات شش و هفت، در تاریخ ۱۷۹۸ تکرار شد و بدین‌سان هم پیشگویی کلام خدا در آیات شش و هفت را نشان می‌دهند و هم تحقق آن آیات را که در آغاز جنگ میان بطلمیوس فیلادلفوس، دومین پادشاه مصر، و آنتیوخوس تئوس، سومین پادشاه سوریه، رخ داد. بطلمیوس نماینده پادشاه جنوب بود و آنتیوخوس نماینده پادشاه شمال.

پیشگویی آیات، هنگامی که همراه با تحقق آن پیشگویی در تاریخ بطلمیوس و آنتیوخوس (که خود نیز نمونه‌وار بود) و نیز با تاریخ ناپلئون و پاپ در سال ۱۷۹۸ در نظر گرفته شود، سه خط به دست می‌دهد که تاریخ پوتین و زلنسکی را در آیات یازدهم و دوازدهم نمونه‌وار می‌کنند. از این رو، درک اینکه «زمان پایان» در ۱۷۹۸ نمایانگر تاریخ ناپلئون و پاپ است، اگر به همان‌جا ختم شود، ناقص است. باید بفهمیم آیات شش و هفت درباره ناپلئون و پاپ چه پیشگویی می‌کنند، و نیز تاریخ بطلمیوس و آنتیوخوس درباره همان دوره چه می‌آموزد. وقتی آن خطوط حقیقت را درک کنیم، آنگاه درمی‌یابیم که آن تحقق‌های تاریخی پیشین در حال مشخص کردن تاریخ آغازین آیه چهارم و با همین کار، پایان آیه چهارم را نیز مشخص می‌کنند؛ زمانی که پوتین (که ناپلئون و بطلمیوس نمونه‌های او بوده‌اند و که در آیات شش و هفت پیشگویی شده) آیات یازدهم و دوازدهم را محقق می‌سازد.

نکته مهمی درباره رابطه نبوی میان اژدها و وحش، چنان‌که یوحنا آن‌ها را معرفی می‌کند، یا چنان‌که دانیال آن‌ها را با عنوان «روزانه» و «رجس ویرانگر» بیان می‌کند، این است که آن‌ها از نظر نبوی بسیار شبیه‌اند. یوحنا این‌گونه می‌گوید.

و اژدها را که به وحش قدرت داد پرستش کردند؛ و وحش را نیز پرستش کرده می‌گفتند: «کیست مانند وحش؟ چه کسی می‌تواند با او بجنگد؟» مکاشفه ۴: ۱۳

پرستش ازدها همان پرستش وحش است، زیرا هر دو نماینده آیین بت‌پرستی‌اند. مانند یوحنا، دانیال از «شاخ کوچکی» کتاب دانیال، باب هشت، آیات ۹ تا ۱۲ استفاده می‌کند تا هم روم بت‌پرست و هم روم پاپی را نمایندگی کند، هرچند او به روشنی میان آن دو تمایز می‌گذارد: شاخ کوچکی روم بت‌پرست را در وجه مذکر و شاخ کوچکی روم پاپی را در وجه مؤنث معرفی می‌کند. در باب هفتم، دانیال روم بت‌پرست را «متمایز» از پادشاهی‌های پیش از آن معرفی می‌کند، و دانیال همچنین تصریح می‌کند که روم پاپی نیز «متمایز» بود. روم، چه بت‌پرست و چه پاپی، متمایز است. نماد مذکر روم که نماینده روم بت‌پرست است، به وسیله آخاب و هیروودیس تثبیت می‌شود. هر دو با نمادهایی از دستگاه پاپی ازدواج کرده بودند. زن نماد قدرت کلیسایی است و مرد نماد قدرت حکومتی؛ پس در سطح نبوی، هنگامی که کلام خدا از یکی شدن مرد و زن سخن می‌گوید، این واقعیت را تأیید می‌کند که روم بت‌پرست و روم پاپی در معنای نبوی بسیار مشابه‌اند، زیرا آنان یک تن‌اند.

رابطه فرانسه با نهاد پاپی در سال ۱۷۹۸ نمونه رابطه ایالات متحده با نهاد پاپی است، وقتی که ده پادشاه روم را با آتش بسوزانند و گوشتش را بخورند.

و آن ده شاخ که بر آن وحش دیدی، همان‌ها از آن فاحشه نفرت خواهند داشت، و او را ویران و برهنه خواهند ساخت، و گوشت او را خواهند خورد، و او را با آتش خواهند سوزاند. مکاشفه ۱۷:۱۶.

رابطه فرانسه با پاپیت، هنگامی که در سال ۵۳۸ پاپیت را به قدرت رساند، نمونه‌ای از کار ایالات متحده در التیام زخم مرگبار پاپیت در آستانه قانون یکشنبه قریب‌الوقوع است.

و دیدم وحشی دیگر که از زمین برمی‌آمد؛ دو شاخ مانند بره داشت و چون ازدها سخن می‌گفت. همه قدرت وحش نخستین را در حضور او اعمال می‌کند و زمین و آنان را که در آن ساکن‌اند وادار می‌کند که وحش نخستین را بپرستند، همان که زخم مرگبارش شفا یافته بود. و آیات بزرگ به جا می‌آورد، چندان که در برابر دیدگان مردم آتش را از آسمان بر زمین فرود می‌آورد؛ و به وسیله آن معجزاتی که قدرت داشت در حضور وحش انجام دهد، ساکنان زمین را فریب می‌دهد و به ساکنان زمین می‌گوید که برای آن وحش، که از شمشیر زخمی شده و زنده مانده بود، تمثالی بسازند. مکاشفه ۱۳:۱۱-۱۴.

«زمان پایان» در سال ۱۷۹۸، در تحقق آیه چهل، نشان می‌دهد که پادشاه روحانی شمال به دست پادشاه روحانی جنوب از میان برداشته می‌شود. آن تاریخ نبوی پایان دوره هزار و دویست و شصت‌ساله حاکمیت پاپی است، و از این‌رو ویژگی‌های نبوی آغاز آن تاریخ در پایان بازنمایی می‌شود. در سال ۵۳۸، چهارمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس جای خود را به پنجمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس داد و در سال ۱۷۹۸، پنجمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس جای خود را به ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس داد.

۵۳۸ همچنین نشانه‌ای میانی در نفرین «هفت زمان» لاویان، باب بیست‌وشش علیه پادشاهی شمالی اسرائیل است که در ۷۲۳ پیش از میلاد آغاز شد، زمانی که آشور افرایم را به اسارت برد. از این‌رو ۱۷۹۸ نه تنها ویژگی‌های نبوی ۵۳۸ را دارد، بلکه ویژگی‌های ۷۲۳ پیش از میلاد را نیز داراست. در ۷۲۳ پیش از میلاد ده قبیله اسرائیل به دست آشور سرنگون می‌شدند، و هزار و دویست و شصت سال بعد، در ۵۳۸، روم بت‌پرست به دست روم پاپی سرنگون می‌شد، که خود نیز در ۱۷۹۸، در پایان «هفت زمان»، به دست فرانسه سرنگون شد.

در سال ۱۷۹۸، فرانسه، پادشاه جنوب، نهاد پاپی را از تخت پایین کشید. در سال ۵۳۸، فرانسه، که نماد برجسته فروپاشی روم بت‌پرست به ده پادشاهی بود، نهاد پاپی را بر تخت نشانید. در هنگام قانون یکشنبه، ایالات متحده نقش فرانسه در سال ۵۳۸ را تکرار می‌کند، و هنگامی که ده پادشاه نهاد پاپی را با آتش می‌سوزانند و گوشتش را می‌خورند، ایالات متحده نقش فرانسه در ۱۷۹۸ را تکرار می‌کند.

داوری «هفت بار» علیه پادشاهی‌های شمالی و جنوبی اسرائیل به وسیله پادشاهی‌هایی که از شمال برآمدند تحقق یافت.

اسرائیل گوسفند پراکنده‌ای است؛ شیران او را رانده‌اند: نخست پادشاه آشور او را بلعیده است؛ و سرانجام، این نیوکدنصر، پادشاه بابل، استخوان‌هایش را شکسته است. ارمیا ۵۰:۱۷.

آشور از شمال آمد و در سال ۷۲۳ پیش از میلاد ده سبط را فتح کرد و بابل در سال ۶۷۷ پیش از میلاد یهودا را به اسارت برد. با آن‌که اسرائیل نسبت به یهودا پادشاهی شمالی بود، هر دو پادشاهی به دست دشمنانی از شمال مغلوب شدند؛ از این‌رو، در نسبت با دشمنی که آنان را به اسارت برد، هم اسرائیل و هم یهودا پادشاهی‌های جنوبی به شمار می‌آیند. ۷۲۳ پیش از میلاد نمایانگر آن است که پادشاه شمال یک پادشاهی ده‌گانه جنوبی را فتح می‌کند. ۵۳۸ نمایانگر گذار از بت‌پرستی به پاپ‌گرایی است و نیز پادشاهی‌ای از شمال که یک پادشاهی ده‌گانه را فتح می‌کند. ۱۷۹۸ نمایانگر شکست خوردن یک پادشاه شمال به دست پادشاه جنوب است که نماینده یک پادشاهی ده‌گانه است.

و در همان ساعت زلزله‌ای عظیم رخ داد، و یک‌دهم شهر فرو ریخت، و در آن زلزله هفت هزار نفر از مردم کشته شدند؛ و بازماندگان هراسان شدند و به خدای آسمان جلال دادند. مکاشفه ۱۱:۱۳.

دوره گذار مرتبط با سال ۵۳۸، زمانی که روم از حاکمیت بت‌پرستانه به حاکمیت پاپی دگرگون شد، همان تغییری است که در باب هشتم دانیال از مذکر به مؤنث رخ می‌دهد؛ تغییری که به‌طور نمادین از سیاست دولتی به سیاست کلیسایی است. نبوت «هفت بار» مهر «حقیقت» را بر خود دارد؛ زیرا حرف نخست (۷۲۳ ق.م.) به حرف بیست‌ودوم و آخر الفبای عبری (۱۷۹۸) اشاره می‌کند، در حالی که حرف سیزدهم و میانی نماینده عصیان (۵۳۸) است. دانیال مشخص می‌کند که «تعدی» ای که در تعبیر «تعدی ویرانگر» نمادین شده، ترکیب کلیسا و دولت بود و در این رابطه، کلیسا زمام امور را در دست داشت. آن «تعدی» نماینده سال ۵۳۸ است که میانه و، به‌طور استعاری، «حرف سیزدهم» از سه نشانه اصلی در دوره «هفت بار» بر ضد ده قبیله شمالی اسرائیل به‌شمار می‌آید.

در سال 1798، مطابق آیه چهارم باب یازدهم دانیال درباره «زمان آخر»، فرانسه بی‌خدا، یعنی پادشاه جنوب، زخم مهلکی بر نهاد پاپی، یعنی پادشاه شمال، وارد کرد. در سال 1989، نهاد پاپی علیه پادشاه بی‌خدا جنوب که در آن زمان به اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شده بود، دست به تلافی زد. این تلافی شامل یک اتحاد پنهانی میان ایالات متحده و واتیکان بود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در 1989 پیام نبوی مکتوب آیه چهارم را پایان می‌دهد، و آیه بعد، یعنی آیه چهارم و یک، نمایانگر قانون یکشنبه در ایالات متحده است. بنابراین، از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در 1989 تا قانون یکشنبه در آیه بعد، ما در تاریخ پنهان آیه چهارم زندگی کرده‌ایم.

آیه چهارم ابتدا در سال ۱۷۹۸ پادشاه جنوب و پادشاه شمال را مشخص می‌کند، و سپس در سال ۱۹۸۹، علاوه بر پادشاه جنوب و پادشاه شمال، نیروی سومی را که ازابه‌ها، کشتی‌ها و سواران نماینده آن‌اند، مشخص می‌کند.

و در زمان پایان، پادشاه جنوب بر او یورش خواهد برد؛ و پادشاه شمال با ازابه‌ها و سواران و کشتی‌های بسیار چون گردبادی بر او خواهد تاخت؛ و به سرزمین‌ها داخل خواهد شد و سیل‌آسا از آنها عبور خواهد کرد. دانیال ۱۱:۴۰.

در «زمان انتها» در سال ۱۷۹۸، یک ژنرال حقیقی ناپلئون وارد واتیکان شد و پاپ را گرفت و زندانی کرد. در سال ۱۹۸۹ تلافی ۱۷۹۸ صورت گرفت. در فاصله ۱۷۹۸ تا ۱۹۸۹ گذارهای نبوی‌ای در تاریخ رخ داد که توجه به آنها مهم است. فرانسه بی‌خدا، پادشاه جنوب در دوره ۱۷۹۸، نخستین پادشاه روحانی جنوب بود و روسیه پوتین مقدر است آخرین آن باشد. فرانسه در مکاشفه باب یازدهم شناسایی شده

است؛ و خواهر وایت آن را به صراحت فرانسه بی‌خدا می‌نامد. یکی از دو نمادی که در باب یازدهم فرانسه را معرفی می‌کند، مصر است که خواهر وایت آن را نماد بی‌خدایی می‌داند. در آن باب، وحش برخاسته از هاویه، همان بی‌خدایی بود که در آن دوره وارد تاریخ شد.

بی‌خدایی از فرانسه و از حوالی سال ۱۷۹۸ وارد تاریخ شد و تا سال ۱۹۸۹، اتحاد جماهیر شوروی به منزله پادشاه معنوی بی‌خدایی درآمده بود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۹، به منزله تحقق یک اتحاد پنهانی میان پاپ ژان پل دوم و رونالد ریگان، در آیه دهم باب یازدهم کتاب دانیال به صورت تمثیلی تصویر شده بود، و شاهد دومی برای آیه ده در بخش کتاب اشعیا درباره دو لعنت دو هزار و پانصد و بیست‌ساله علیه پادشاهی‌های شمالی و جنوبی اسرائیل، همان‌گونه که در باب‌های هفت تا یازده آمده، یافت می‌شود.

بنابراین، سال ۱۹۸۹ به نقطه مرجع برای حل معماهای نبوی روزهای آخرالزمان تبدیل می‌شود. در همان زمان بود که آیه چهل مهرش گشوده شد. اکنون می‌توان دریافت که آیه چهل در سال ۱۷۹۸ آغاز می‌شود و در قانون یکشنبه آیه چهل‌ویک به پایان می‌رسد.

در زمان قانون یکشنبه، ایالات متحده چون اژدها سخن خواهد گفت و به حکومت خود به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس پایان خواهد داد. زمان سلطنتش را در سال ۱۷۹۸ آغاز کرد، هنگامی که پادشاهی پنجم دچار زخمی مرگبار شد. در سال ۱۷۹۸، ایالات متحده قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی را تصویب کرد و بدین‌سان در همان آغاز، نمونه‌ای از پایان ششمین پادشاهی را به نمایش گذاشت. از این‌رو آیه چهل، تاریخ ایالات متحده را به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس بیان می‌کند.

۱۷۹۸ حرف نخست الفبای عبری است، قانون یکشنبه بیست‌ودومین و آخرین حرف الفبای عبری است و ۱۹۸۹ نشان‌راه میانی است که نمایانگر شورشی است که با عدد سیزده و سیزدهمین حرف الفبای عبری نماد شده است. ۱۹۸۹ نمایانگر شورش ائتلاف مخفی ریگان با ضد مسیح پیشگویی‌های کتاب مقدس است. ۱۹۸۹ نخستین فرد از آخرین هشت رئیس‌جمهور را معرفی می‌کند که در دوره‌ای از شورش فزاینده علیه قانون اساسی حکومت می‌کنند. ۱۹۸۹ فرایند آزمایشی را در میان ادونتیست‌های روز هفتم آغاز کرد که برای پدید آوردن دو طبقه از پرستندگان طراحی شده است. وفاداران اندک‌اند و بی‌وفایان بسیار. ۱۹۸۹ نمایانگر نشان‌راه مرکزی آیه چهل است و نمایانگر شورشی است که با حرف سیزدهم نماد شده است. آیه چهل امضای «حقیقت» را بر خود دارد.

آیه چهل از پادشاهان شمال و جنوب سخن می‌گوید که در تاریخ مذکور در پایان آیه متفاوت‌اند. همچنین به ایالات متحده اشاره دارد که به گفته یوحنا، پیامبر کاذبی است که با اژدها و وحش همکاری می‌کند تا جهان را به آرماگدون سوق دهد. پادشاه جنوب در آیه چهل اژدهاست، پادشاه شمال وحش است؛ ارابه‌ها، کشتی‌ها و سواران پیامبر کاذب‌اند. تحقق آیه چهل در سال ۱۹۸۹ به ویژگی نبوی مهمی برای فهم آیات یازده تا پانزده تبدیل می‌شود. اگر درباره ۱۹۸۹ درست نباشید، منطقی نیست که درباره تاریخی که امروز در آن هستیم درست باشید.

از ۱۹۸۹ تا قانون روز یکشنبه، سه جنگ نیابتی برای دستگاه پاپی در آیات ۱۰ تا ۱۵ به تصویر کشیده شده‌اند. این آیات باید به‌عنوان یک تاریخ پیوسته در نظر گرفته شوند، زیرا همان «آنتیوخوس کبیر» در سه نبردی که در تحقق تاریخی آیات ۱۰ تا ۱۵ به تصویر کشیده شده‌اند، دیده می‌شود.

هر سه نبرد یک خط پیشگویانه واحد را تشکیل می‌دهند، زیرا آنتیوخوس بزرگ در هر سه نبرد حضور داشت. آیه ده و اشعیا ۸:۸ دو شاهد برای تحقق آیه چهل در سال ۱۹۸۹ ارائه می‌کنند. آیه چهل نقطه ارجاع در آیه ده و اشعیا ۸:۸ است. «ارابه‌ها، کشتی‌ها و سواران» دو شاخ وحش از زمین را در باب

سیزدهم مکاشفه نمایندگی می‌کنند. در پایان، وقتی ایالات متحده «مانند اژدها سخن می‌گوید»، آن دو شاخ دیگر جمهوری‌خواهی و پروتستان‌تیسیم نخواهند بود. در آن زمان، به اصطلاح پروتستان‌ها با کاتولیسیسم هم‌پیمان می‌شوند و جمهوری مبتنی بر قانون اساسی به دیکتاتوری تبدیل خواهد شد. در آن دوره، دو شاخ وحش از زمین قدرت اقتصادی و نظامی خواهند بود. در باب سیزدهم مکاشفه، ایالات متحده جهانیان را وادار می‌کند تا برای خرید و فروش، و نیز تحت تهدید مرگ، نشان وحش را بپذیرند. آن دو شاخ همان «کشتی‌ها»ی دانیال‌اند که نمایانگر قدرت اقتصادی‌اند و «سواران و اربابه‌ها»ی او که نمایانگر قدرت نظامی‌اند.

۱۹۸۹ نشان می‌دهد که هنگام به‌کارگیری تحقق تاریخی نبردهای رافیا و پانیوم در آیات یازده تا پانزده، باید همان روش‌شناسی پیشگویانه‌ای را که برای فهم سال ۱۹۸۹ و فروپاشی اتحاد شوروی به کار گرفته شد، به کار برد؛ زیرا آنتیوخوس بزرگ در هر سه نبردی که در آیات ده تا پانزده بازنمایی شده‌اند، حضور داشت. آنتیوخوس نمایانگر قدرت اربابه‌ها، کشتی‌ها و سواره‌نظام است؛ که در سال ۱۹۸۹ مصداق آن رونالد ریگان بود، نخستین هشت رئیس‌جمهور که آخرین آنان نیز ششمین بود و اکنون هشتمی است که از آن هفت است.

طبق اشعیا باب بیست‌وسوم، قدرت پاپی (فاحشه‌ای که با پادشاهان زمین زنا می‌کند) در دوران حکومت ایالات متحده، به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت‌های کتاب مقدس، پنهان خواهد بود. در سال ۱۹۸۹، ایالات متحده که آنتیوخوس بزرگ نماد آن بود، قدرت نیابتی نهاد پاپی در جنگ آن علیه وحش الحاد بود؛ وحشی که در سال ۱۷۹۸ زخمی مرگبار بر آن وارد آورد.

سه نبرد آیات ده تا پانزده بیانگر جنگی میان پادشاه شمال است که، همچون فاحشه پنهان صور، قدرت‌های نیابتی را به کار می‌گیرد و در مسیر احیای قدرت خود و شکست پادشاه الحاد—پادشاه جنوب—پیش می‌رود. تحقق‌های تاریخی سه نبرد آیات ده تا پانزده به ما نشان می‌دهند که در نبرد نخست و آخر آنتیوخوس کبیر پیروز شد، اما نبرد میانی را باخت. ویژگی‌های پیش‌گویانه سال ۱۹۸۹، با نقش رونالد ریگان و پاپ ژان پل دوم و نیز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در آخرین آن سه نبرد همتایی خواهد داشت، زیرا این آیات همان چیزی‌اند که درست پیش از بسته شدن مهلت امتحان مهرگشایی می‌شود. همان‌گونه که آیه چهل در سال ۱۷۹۸ و سپس در ۱۹۸۹ مهرگشایی شد، آن آیه در پایان نیز، از ژوئیه ۲۰۲۳ به بعد، مهرش گشوده شد.

مکاشفه عیسی مسیح درست پیش از بسته شدن مهلت مهرگشایی می‌شود و دربردارنده حقیقت برجسته‌ای است که عیسی اول و آخر است و از این‌رو همواره پایان را با آغاز نشان می‌دهد. مهلت برای ادونتیسیم در قانون یکشنبه بسته می‌شود و درست پیش از بسته شدن مهلت، مکاشفه عیسی مسیح مهرگشایی می‌شود. پیامی که در بسته قانون یکشنبه خاتمه می‌یابد، همان پیام فریاد نیمه‌شب است که در تاریخ میلریتی به در بسته 22 اکتبر 1844 انجامید. مهرگشایی 1798 در آغاز آیه چهل - که همچنین آغاز ایالات متحده به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس است - نمونه‌وار مهرگشایی 1989 در میانه آیه چهل و آغاز پایان تدریجی ایالات متحده بود. مهرگشایی در 1798 که 1989 را نمونه‌وار می‌ساخت، نمایانگر دو شاهد برای مهرگشایی پیام فریاد نیمه‌شب در 2023 است. این خط، با سه نشان راه 1798، 1989 و 2023، کار درونی تطهیر ده باکره و خط بیرونی ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس را مشخص می‌کند.

نبردی که در آیه یازده بیان شده و در نبرد رافیا، هنگامی که آنتیوخوس از بطلمیوس شکست خورد، تحقق یافت، نمایانگر شکست قدرت نیابتی پاپی است؛ قدرتی که در این نبرد کنونی همان نازی‌های اوکراین‌اند که با کشورهای جهانی‌گرای اروپای غربی متحد شده‌اند؛ کشورهایی که اتحادیه اروپا و ناتو را تشکیل می‌دهند و با جهانی‌گرایان سیاسی و اقتصادی سازمان ملل همگام‌اند. اگر آنتیوخوس بزرگ

در هر سه نبرد حضور داشت و نماینده قدرت نیابتی پاپی در برابر پادشاه جنوب بود، چگونه ممکن است در ۱۹۸۹ ایالات متحده باشد، سپس اوکراینی‌ها مطابق نمونه نبرد رافیا، و بعد دوباره در نبرد پانیوم ایالات متحده؟ آیه ده کلید آیات یازده تا پانزده است، زیرا تحقق آن در ۱۹۸۹ تصویری از ویژگی‌های نبوی نخستین سه جنگ نیابتی به دست می‌دهد. توجیه نبوی شناسایی آنتیوخوس به‌عنوان قدرت نیابتی پاپی چیست، در حالی که ایالات متحده به هر سه نبرد تعمیم داده نمی‌شود؟

در تاریخ جنگ اوکراین، که با نبرد رافیا نمونه‌وار شده است، ایالات متحده نازی‌های اوکراین را به‌عنوان قدرت نیابتی خود به کار گرفت؛ درست در همان مقطع تاریخی که آنان در حال شکل دادن تصویری از دستگاه پاپی هستند، قدرتی که همواره و فقط از قدرت‌های نیابتی برای انجام کارهای کثیف خود استفاده می‌کند.

برای پاسخ دادن به پرسش قدرت‌های نیابتی در آیات ده تا پانزده، لازم است بررسی پیشگویانه‌ای درباره ویژگی‌های آنتیوخوس به‌عنوان نماد انجام شود. جنگ‌های دیادوخ‌ها مجموعه‌ای از درگیری‌ها از ۳۲۳ تا ۲۸۱ پیش از میلاد بود که میان دیادوخ‌ها (به یونانی به معنای «جانشینان»)، یعنی سرداران و جانشینان اسکندر کبیر، روی داد؛ آنان پس از مرگ او در ۳۲۳ پیش از میلاد برای کنترل امپراتوری پهناورش جنگیدند. نخستین آنتیوخوس، آنتیوخوس یکم سوتر، پسر سلوکوس یکم نیکاتور بود؛ یکی از دیادوخ‌های اسکندر (جانشینان) که امپراتوری سلوکی را بنیان نهاد.

نام «آنتیوخوس» را می‌توان به معنای «کسی که به جای دیگری می‌ایستد تا او را حمایت کند» دانست. آنتیوخوس نمادی از روم است و روم پاپی ضد مسیح است که از حیث نمادین مشابه آنتیوخوس است. آنتیوخوس، به‌عنوان یک نام، نمایانگر پسر بنیان‌گذار امپراتوری سلوکی بود و از این حیث، آنتیوخوس به جای پدرش می‌ایستاد؛ او نایب پدرش بود. خواهر وایت هم شیطان و هم پاپ را ضد مسیح می‌شناسد و بیان می‌کند که پاپ نماینده شیطان بر زمین است. این نام در امپراتوری سلوکی به نامی برجسته و دودمانی بدل شد، تا حدی به سبب پیوندش با آنتیوخوس یکم سوتر و شهر انطاکیه که به نام پدر یا پسر سلوکوس یکم نام‌گذاری شده بود. پاپ نایب شیطان است و نام آنتیوخوس از نظر نمادین نمایانگر نایب پدرش است؛ بنیان‌گذار پادشاهی شمالی که پایتخت آن را در بابل قرار داد.

پس از مرگ اسکندر مقدونی در ۳۲۳ پیش از میلاد، امپراتوری او میان دیادوخ‌ها (جانشینان) تجزیه شد. در تقسیم بابل (۳۲۳ پیش از میلاد)، سلوکوس در آغاز به‌عنوان فرمانده سواره‌نظام همراهان (سمتی نظامی پرآوازه) زیر نظر پردیکاس، نایب‌السلطنه امپراتوری اسکندر، منصوب شد. تا ۳۲۱ پیش از میلاد، سلوکوس در تقسیم تریپارادیزوس، پس از مرگ پردیکاس و مذاکرات بیشتر میان دیادوخ‌ها، به‌عنوان ساتراپ (استاندار) بابلیه منصوب شد. در ۳۱۶ پیش از میلاد، آنتیگونوس یک‌چشم، یکی دیگر از دیادوخ‌ها، به سبب قدرت‌گیری فزاینده‌اش سلوکوس را واداشت از بابل بگریزد. سلوکوس به مصر نزد بطلمیوس اول سوتر پناه برد. در ۳۱۲ پیش از میلاد، سلوکوس با نیروی اندکی که بطلمیوس در اختیارش گذاشت به بابل بازگشت. او نیروهای آنتیگونوس را شکست داد و بابل را بازپس گرفت و بدین‌سان پایگاه قدرت خود را بنا نهاد. این رویداد را غالباً آغاز امپراتوری سلوکی می‌دانند و ۳۱۲ پیش از میلاد را در تاریخ‌نگاری مبدأ گاه‌شمار سلوکی به شمار می‌آورند.

نام «سلوکوس» برگرفته از یونانی و از ریشه‌ی  $\sigma\epsilon\lambda\alpha\varsigma$  (selas) به معنای «نور»، «درخشندگی» یا «شعله» است. این نام بر درخشش یا روشنایی دلالت دارد و برای چهره‌ای برجسته چون سلوکوس یکم نیکاتور، بنیان‌گذار امپراتوری سلوکی، برانزده است؛ او که نمود پدری است که در آسمان حامل نور بوده است.

برای تضمین منافع و افتخارات دنیوی، کلیسا بر آن داشته شد که در پی جلب لطف و حمایت بزرگان زمین برآید؛ و چون بدین‌سان مسیح را رد کرد، واداشته شد که وفاداری خود را به نماینده‌ی

شیطان—اسقف رم—اعلام کند. مناقشهی بزرگ، ۵۰.

آنتیوخوس کبیر نقش نیابتِ قدرت پاپی را ایفا می‌کند، همان‌گونه که پاپ نقش نیابتِ شیطان را ایفا می‌کند. نماد آنتیوخوس اجازه می‌دهد قدرت‌های نیابتی گوناگونی وجود داشته باشند، همان‌گونه که پاپ‌های بسیاری وجود داشته‌اند. ریگان نماینده نیابتی ۱۹۸۹ بود، اوکراین در سال ۲۰۱۴ نماینده نیابتی ایالات متحده شد و ترامپ نماینده نیابتی در نبرد پانیوم است. ریگان نخستین بود، ترامپ آخرین است و زلنسکی شورش در میانه است.